

فتنه و ایمان

(۳)

آیت الله محمدی گلپایگانی

کلام شایان دقت آقای شهرستانی را در ملل و نحل نقل کردیم که گفته بود: «بزرگترین اختلاف حادث شده بین امت اسلام همانا اختلاف در مسئله امامت و پیشوائی است زیرا برای هیچ اصلی از اصول دین شمشیری کشیده نشد آنچنان که برای اصل امامت کشیده شد. النهایه در صدر اول و حضور داشتن اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله خداوند متعال به آسانی خاتمه اش داد»

فتنه اهل رده

نخستین نکال این تنازع و اختلاف و بهتر است گفته شود: انحراف و توطئه دشمنان اسلام، جنگهای دولت نوپای اسلام با اهل رده بوده است که عصبیتهای و حمیتهای جاهلیت دفرین در نفوس، در لوای اختلاف مزبور فرصت ظهور و بروز یافت ولی خیلی زود با اتحاد کلمه دولت و اصحاب ظاهراً به خاموشی نگرانید و سرکوب شد، و اما دیری نپائید که با پدیداری جو مساعدی که از زمان عمر آغاز شد یعنی امتزاجات و ارتباطاتی که در اثر فتح بین امت پیروز مسلمان و امم مغلوبه حادث گردید عصبیتهای و حمیتهای بالندگی خود را آغاز نمودند، زیرا امتزاجات در ابعاد وسیع (در تمدن و نظام اجتماعی، در تناکح و تناسل، در عقاید دینی، در آراء عقلی و فلسفی، در افسانهها و اساطیر و غیره) کنترل ناپذیر، چنین جوی را طبعاً بوجود می آورده و مغزی از آن نبوده است و الزاماً بدنبال آن، خلافت بی آرایش خلفاء راشدین، دستخوش بوالهوسیهها گردیده و طولی نپائید که به امویین «شجره ملعونه» منتقل شد و بطور کلی آن خلافت مغبوط، رنگ امپراطوری و سلطنت استبدادی بخود گرفته و

«فتنه اهل رده * ظهور حمیت جاهلیت * جو مساعد برای پرورش عصبیات * ریزش فتنهها بمشابه باران در شهودنبتی اکرم صلی الله علیه و آله * فشردگی و جمع اطراف زمین برای آنحضرت و گسترش حکومت اسلام * دعاء پیغمبر صلی الله علیه و آله در رفع عذاب استیصال و استجاب آن * هلاکت بعضی بدست بعضی دیگر * فتنه از ناحیه مشرق مدینه و طلوع شاخهای شیطان از عراق و نجد * دعاء شگفت انگیز وقت طواف نزد رکن عراقی * عراق خاستگاه فتنه در طول تاریخ * تکفیر اهل قبله نخستین بار از عراق بوسیله خوارج، و تلاش امیرالمؤمنین علیه السلام در حفظ اتحاد * اصالت حرمت خون و مال و عرض مسلم * تحقق اسلام به شهادتین است * روایات در اعتصام مسلم و اهمیت اتحاد * این سلاطین منحوس مایه تفرقه اند * راز عدم توفیق مرحوم سید جمال * دعاء استنشاق بجای دعاء استنجا * و راز پیروزی امام امت مدظله» .



پروردگارم فرمودند:

ای محمد قضاء من غیر قابل رد است و من به امت اعطاء نمودم که آنان را بعذاب و مصیبت فراگیر هلاک نکنم و دشمنی از غیر خودی بر آنان مسلط نسازم که مرکزیت آنها را بریاد دهد اگرچه همه افراد کفر زمین جمع شوند، مگر آنکه برخی از آنان برخی دیگرشان را هلاک و اسیر کند».

مسلم و بخاری باین در صحیحشان افتتاح کرده اند باین عنوان که: «فتنه از ناحیه مشرق، و در صحیح مسلم: از آنجائی که قرنهای شیطان طلوع می کند» مناسب است که نمونه ای از روایات این باب را نقل و ترجمه کنیم:

سالم پسر عبدالله بن عمر از پدرش نقل می کند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم جنب منبر ایستادند و فرمودند: «الفتنه هی هنا الفتنه هی هنا من حیث یطلع قرن الشیطان اوقال قرن الشمس» و نافع از عبدالله بن عمر اینگونه نقل می کند که او در حالی که رسول الله صلی الله علیه وآله رو بمشرق بوده شنید که می فرماید: «الا ان الفتنه هی هنا من حیث یطلع قرن الشیطان» (جزء ۲۴ عمدة القاری فی شرح صحیح البخاری و مسلم جزء ۸ ص ۱۸۰ با تفاوتی مختصر).

«جنس فتنه اینجاست! جنس فتنه اینجاست! از این جایگاه که شاخ شیطان و ناصیه اش طلوع می کند!» بدرالدین محمود بن احمد عینی صاحب کتاب عمدة القاری مزبور توضیحی دارد که خلاصه آن ترجمه می شود:

«همانجا رسول الله صلی الله علیه وآله بسوی مشرق اشارت فرمودند، زیرا اهل آن در آن هنگام کافر بودند، و آن بزرگوار خیر دادند که فتنه از این ناحیه نشأت می گیرد، و همینطور هم بوده، و این فتنه ها مانند وقعه جمل و صفین سپس ظهور خوارج در سرزمین نجد و عراق و جانب مشرق بعد از این بلاد نشأت یافته است!».

روایت طلوع شمس و غروبش بین قرنین شیطان در کتب احادیث ما آمده است در صحیح محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام است که فرمودند: «بصلی علی الجنازه فی کل ساعة، آنها لیست بصلوة ذات رکوع و سجود، و انما یکره الصلوة عند طلوع الشمس وعند غروبها التي فيها الخشوع والرکوع والسجود، لانها تغرب بین قرنی

«ملک عضوض» چنانکه فریقین نقل کرده اند گردید و عصبیات جاهلیت با اضعاف مضاعفه بازگشت نمود! و فتنه های پیاپی همچون باران تند بر جامعه مسلمین ریزان شد که دور نمای آن را پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم شهود فرموده و خبر داده بودند چنانچه در صحیحین از اسامة بن زید نقل شده که گفت:

ریزش فتنه ها بمثابه باران

«اشرف النبی صلی الله علیه وآله وسلم علی اطمح من اطمح المدینة فقال: هل ترون ما أری؟ قالوا: لا، قال: فانی لأری الفتن تفع خلال بیوتکم کوقع المطر» در صحیح مسلم «کمواقع القطر» پیغمبرگرامی صلی الله علیه وآله اشرف بقلعه و عمارتی از عمارات مدینه پیدا کرد فرمودند: آیا آنچه من می بینم شما هم می بیند؟ عرض کردند: نه، فرمودند: من دقیقاً می بینم فتنه ها در میان خانه هایتان ریزان بگونه ریزش باران است (جزء ۲۴ عمدة القاری فی شرح صحیح البخاری ص ۱۸۲ و صحیح مسلم جزء ۸ ص ۱۶۸)

هلاکت بعضی بدست بعضی دیگر

و در روایت ثویان آمده: «قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم: ان الله زوی لی الارض فرأیت مشارقها و مغاربها وان امتی یبلغ ثلثها مازوی لی منها و أعطیت الكنزین الاحمر و الابيض و انی سألت رقی لاهتی ان لایهلکها بسنة بعامه و ان لایسلطوا علیهم عدواً من سوی انفسهم فیسبیح بیضتهم. و ان رقی قال: یا محمّد انی اذا قضیت قضاءً فاتّه لایرد و انی اعطیت لامتک ان لایهلکهم بسنة بعامه و ان لایسلط علیهم عدواً من سوی انفسهم یسبیح بیضتهم ولو اجتمع علیهم من بافطارها و اوقال من بین افطارها حتی یكون بعضهم یهلک بعضاً و یسی بعضهم بعضاً» (صحیح مسلم جزء ۸ ص ۱۷۱)

«پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: خداوند متعال زمین را برایم فشرده و جمع کرد بگونه ای که من همه مشارق و مغارب آن را دیدم و دانستم که حکومت امت من بر آنچه جهتم جمع و فشرده شده استیلاء خواهد یافت و گنجهای سرخ و سفید بمن اعطاء گردید و من از پروردگارم جهت امتم خواستار شدم که به عذاب و بلاه فراگیر همگان را هلاک نفرماید و دشمنی از غیر خودشان بر آنان مسلط نسازد که مرکز زاینده گی و فزاینده گی آنها را مباح دانسته و ریشه کن نماید، و

شیطان و تطلع بین قرنی شیطان» و سائل باب ۲۰ از ابواب صلوة جنازة حدیث ۱۲.

«نماز بر میت هر ساعتی می شود خواند، زیرا در آن رکوع و سجود نیست و همانا کراهت دارد خواندن نمازی که در آن رکوع و سجود است هنگام طلوع و غروب آفتاب زیرا طلوع و غروب آن بین قرنین شیطان است.»

و فتوای مشهور بنقل صاحب جواهر قدس سره بر این است که نوافل مبتدئه در این اوقات مکروه است، و اما مراد از قرن شیطان چیست؟ اعلام بیاناتی دارند که می شود به آن توضیحات مراجعه نمود و این مقام مقام نقض و ابرام آن بیانات بلکه نقل آنها نیست.

عراق خاستگاه فتنه در طول تاریخ

باری غرض از نقل روایات فوق این است که سرزمین شرق مدینه همانگونه که عینی گفته، فتنه خیز است نه بطور محدود که ایشان پنداشتند بلکه در طول تاریخ خصوصاً عراق و بین النهرین، فتنه خیز و آشوبگر بوده است و مرکز شقاق و نفاق و قساوت و سوء اخلاق بوده است و اعجاب انگیز است که در برخی از آثار اسلامی آمده است که صاحب شریعت در طواف به کعبه تشریح فرمودند که نزد رکن عراقی این دعا خوانده شود: «اعوذ بالله من الشقاق والنفاق وسوء الاخلاق» انگار که ذکر عراق و یاد آن، خاطره انگیز فتنه ها و آشوبها و دوروئیها و بد کرداریهای واقع در امتداد تاریخ است، و چون این قطعه خاک، حوزه چشمگر، جنایتها و آتش افروزیها و خیانتها با رجال اصلاح و رهبران بزرگ جامعه انسانی است حتی در کنار رکنی که پیام آن نامیده شده در هنگام طواف از شقاق و نفاق و سوء اخلاق، باید بخداوند متعال پناه برد و شاخهای شیاطین اغلب از این سرزمین نمو و بالندگی یافته و در جهان طلوع نموده است.

این سرزمین بوده که نخستین بار اهل قبله در آن تکفیر شدند، این خوارج بودند که مسلمان مرتکب گناه را کافر می دانستند و اُسف انگیزتر آنکه هر کس با آنها در این بدعت مخالفت می نموده او را نیز کافر می شمردند و خون و مالش را حلال می دانستند، بلی این چنین است حال همه بدعتگزاران که بدعت می گزارند و حتی جهاد دفاعی را حرام و پذیرفتن خواری و ذلت از استعمار را مباح و احیاناً واجب می شمردند و هر کس با بدعتشان مخالفت نماید او را با

جماع تکفیر می گویند و اوصاف خوارج که پیغمبر اکرم فرمود: «یحقر احدکم صلونه مع صلونهم و صیامه مع صیامهم و قراءته مع قراءتهم یقرءون القرآن لایجاوز حناجرهم یمرقون من الاسلام کما یمرق السهم من الرمیة، یقتلون اهل الاسلام و یدعون اهل الاوثان».

«هر یک از شما نمازش و روزه اش و قرائت خود را نسبت به نماز و روزه و قرائتشان ناچیز می شمرد، این خوارج قرآن می خوانند ولی جانشان از آن بی خبر است، و از دین اسلام خارج می شوند همانگونه که تیر به صید می خورد و از طرف دیگرش خارج می گردد، بت پرستان را می گذارند ولی با اهل اسلام می جنگند و مسلمان می کشند» تمام این صفات در این بدعتگزاران عصر ما موجود است با استثنای جرئت و تهور آن بدعتگزاران که اینها از آن محرومند.

تلاش امیرالمؤمنین علیه السلام در حفظ اتحاد

امیرالمؤمنین علیه السلام از جانب رسول الله صلی الله علیه وآله مأمور بوده که با این مارقین قتال کند و کثیری از صحابه هم او را در این جهت یاری کردند، و حتی امام علیه السلام ابتداء به قتال نفرمودند بلکه بعد از آنکه آنها خونهای حترم را ریختند و اموال مسلمین را غارت کردند، امام با آنها کارزار نمودند، و کارشان را زار کردند، و در عین حال با آنها معامله کفار نمودند و مسایا و اموالشان را محکوم برقیقت و غنیمت نمودند، و این عمل امیرالمؤمنین علیه السلام باید اسوه برای یک میلیارد مسلمان عصر حاضر باشد زیرا با آنکه ضلال و شقاق خوارج به نص و اجماع محرز بوده امیرالمؤمنین با آنان معامله کفار نمودند و آنها را از اجتماع مسلمین محسوب می داشته و عملاً هم در سواد مسلمانان بوده اند، پس طوائف مختلفی از مسلمین که در مسائلی حق پر آنان مشبه شده جایز نیست که احدی از طوائف دیگر آنها را تکفیر کنند اگر چه بدعتی در میان آنها دیده شود که بسا تکفیر کننده مبتلا بسدعتها باشد، باید این اصل روشن دین اسلام را نصب العین قرار داد که اصل اولی حرمت خون مسلم و مال و عرض او است مگر خلاف آن ثابت شود، رسول الله صلی الله علیه وآله در حجة الوداع فرمودند: «ان دعاءکم و اموالکم و اعراضکم علیکم حرام کحرمة یومکم هذا».

«خونها و اموال و اعراضتان بر شما حرام است مانند حرمت امروز» و باز از آن بزرگوار است که فرمودند: «کل المسلم علی المسلم حرام»

دعه و ماله وعرضه».

روشن است که اسلام موجب اعتصام خون و مال و عرض، اقرار به شهادتین است تا چه رسد به آنکه عامل به فروع هم باشد و ایضاً از آن بزرگوار است «من صلی صلواتنا واستقبل قبلتنا واکل ذبیحتنا فهو المسلم له ذمة الله ورسوله»: «کسی که نماز ما را به جا می آورد و رویه قبله مامی ایستد و ذبیحه ما را می خورد او مسلمان است» برای او پیمان اعتصام خدا و رسولش ثابت است» و فرمودند: «اذا قال المسلم لاخيه يا كافر فقد باء بها احدهما»: «کسی که به برادر مسلم خویش بگوید: یا کافر مال کاریکی از آن دو به خصمت کفر است».

تحقق اسلام به شهادتین

در ذیل آیه «ولا تقولوا لمن اتى اليكم السلام لست مؤمناً» (نساء ۹۴) شیعه و سنی نقل کرده اند که در سرتیله ای از سرایا چوپانی در پای کوهی به اسامه سلام گفت و شهادتین را اداء کرد ولی اسامه او را کشت بعد از آنکه پیامبر اکرم خیردار شدند سخت بر وی گران آمد و فرمودند، ای اسامه بعد از آنکه لا اله الا الله گفت او را کشتی؟! و این توییح را تکرار نمودند و آیه مزبور نازل شد.

ملاحظه می کنید که ذمه اعتصام و اتحاد اسلام به این گستردگی است که همه اقشار مسلمانان را با همه اختلافشان در اصول و فروع زیر پوشش «امت مسلمه» می گیرد و می تواند امتی بسازد که پرچم توحید را در همه اقطار زمین برافرازد و انسانها را از چنگال بهیمیت استعمار نجات بخشد، ولی لمن الله الجهاله والحماقه و نابود باد تفرقه و تفرقه انداز.

این بیماری تفرقه و تنازع است که شدت و رعب را از جامعه مسلمین برده و فشل و عجز را جایگزین آن ساخته است، و ریشه این تفرقه و تنازع همین رؤساء دست نشانده های اجانب هستند که در تشدید تفرقه و تنازع می کوشند چون بقاء ریاست و سلطنتشان وابسته به وجود تفرقه است، اولین راه ایجاد اتحاد و بازگشت ارتباط میان اقشار مسلمین سرنگون نمودن این تفرقه اندازهای بنام سلاطین و رؤساء مسلمین است.

راز عدم توفیق مرحوم سید جمال

ظاهراً علت توفیق نیافتن مرحوم سید جمال در ایجاد اتحاد بین طوائف مختلف مسلمانان جهان هم همین بوده که آن مصلح

بزرگ خوش نیت

می خواست به وسیله ریشه اساسی تفرقه و فساد یعنی سلاطین و وعاظ السلاطین، صلاح و وحدت در میان مسلمین ایجاد کند، و با دست این کژ اعتقادات و زشت کردارها، استقامت اعتقاد و صلاح کردار را به جامعه مسلمین باز گرداند!

«وكيف استواء الظل والعود اعوج!».

و حقیقتاً جای شگفتی است که مرحوم سید با آنهمه ژرف اندیشی و دقت نظر و اصابت رأی چگونه در تشخیص سرچشمه قدرت اجتماعی اشتباه کردند، و منابع دردزای امت یعنی سلاطین و وعاظشان را مراکز دردزدا پنداشتند! منابع قدرت الهی همین اقشار مردمند، و قدرت را خداوند متعال در آستین جماعت نهفته است و رسول الله صلی الله علیه وآله فرمودند: «عليكم بالجماعة فان يد الله على الجماعة» «همراه و ملتزم جماعت باشید که دست خدا - که فوق دستها است - پشتوانه جماعت است» و فرمودند: «الشیطان مع الواحد وهو من الاثنین ابعده» «هنگام مقایسه شیطان به یک نفر و دو نفر، از دو نفر دورتر است» و فرمودند: «الشیطان ذنب الانسان کذنب الغنم، والذنب انما يأخذ القاصية والنابیه من الغنم» «شیطان گرگ انسان است همانگونه که برای گوسفندان گرگ است، و گرگ همانا گوسفندی را می رباید که از گله و مجموعه دور افتاده است» و امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن فرمان بمالک اشتر علیه الرحمه می فرماید: «وانما عماد الدین و جماع المسلمین والعدة للاعداء، العامة من الأمة فلیکن صغوک لهم ومیلک معهم»: «همانا پشتیبان دین، و مرکز توان مسلمین و نیروی مستعد و آماده در مقابل دشمنان، اقشار مردم و عامه از امتند، پس باید شنوای خواسته آنان باشی و گرایش با آنها باشد.

اقشار مردم و عامه از امت را که مرکز قدرند فراموش کردن و برای اصلاح و اتحاد به دنبال خاصه غرق در فساد و رؤساء عفونت زا رفتن، مثل آن مؤمنی است که با کمال خوش نیتی، دعاء استنشاق را: «اللهم ارحني رائحة الجنة» در هنگام استنجاء بجای دعاء استنجاء «اللهم امط عني الاذى» می خوانده است:

بقیه در صفحه ۵۸

بس بیکار شدن با خواندن رهنمودها و پیامهای امام و بویزه پیام حج و ازان گذشتن گناهی است نابخشودنی و باید تا آنجا آنرا بگوش جان بشنوسم و با چشم بصیرت بخوانیم که جزء جزء آن بر صفحه دلمان نقشی پایدار یافته و همچون قانونی اساسی زیربنای اندیشه و برنامه ریزی های گسترده عملی و راهگشای حرکت ما شود.

پیام امام نه پیام اسامال است و نه فقط برای حجاج که مشغور زندگی بخش است برای تاریخ و برای تمام مسلمانان و مستضعفان دردمند جهان و هشدار در حالی که امام و امت عاشق پشه اش هفت شهر عشق را گشته و جان برکف برای تحقق اسلام در صحنه گیتی می خروشدند، مبادا ما بجای خدمتگزاری خالصانه در این راه همچنان در خم کویچه پس کویچه ها و بین بست های تنگ و تاریک خود محوری ها و خط بازیها و منازعات و عدم توجه به باز سنگین مسئولیتمان، نه خود را که همه چیز را به بازی گرفته و با کردارمان چهره اسلام و انقلاب را مکدر کنیم خدایا! ما بعد از پیام روحبخش بنده شایسته ات دیگر سخنی برای گفتن نداریم جز دعا به درگاهت که ما را به درک و عمل به این پیام و سایر سخنان او که همه سرچشمه گرفته از وحی نواست موفق فرمانی ان شاء الله والسلام.

رحمیان

فرم تقاضای اشتراک



خواهشمند است وجه اشتراک مجله پاسا اسلام را به حساب جاری ۶۰۰ بانک ملت شعبه میدان شهداء قم واریز و فیش بانکی را همراه آدرس و مشخصات کامل خود به دفتر مجله پاسا اسلام، قم صندوق پستی ۳۲۰ ارسال فرمائید.

تذکره:

- ۱- بهای اشتراک یک سال ۶۰۰ ریال، دو سال ۱۲۰۰ ریال است.
- ۲- وجه اشتراک را می توانید از طریق تمام بانک های کشور به حساب جاری فوق واریز نمائید.
- ۳- در صورتیکه به بانک دسترسی نداشته باشید وجه اشتراک را توسط اداره پست بیمه نمائید.
- ۴- احتیاج به بریدن این فرم نیست و کافی است مشخصات خود را بشرح زیر در نامه ای جداگانه نوشته و ارسال نمائید.
- ۵- در صورت واریز وجه به بانک حتماً فیش بانکی ارسال شود.

اینجانب نام خانوادگی
 شهرستان آدرس
 مایلیم به مدت سال از شماره با مجله پاسا اسلام
 مشترک شوم لذا مبلغ ریال توسط بانک به
 حساب جاری فوق واریز و فیش بانکی را به پست ارسال می دارم.
 لطفاً در موقع تعدید، شماره اشتراک را قید فرمائید

بقیه از نعمتهای بی شمار خداوند

چنانچه بعضی از مادی گرایان به این دلیل که چون بوجود او در لا براتوارها و یا بوسیله تلسکوپ های نیرومند خویش بی نبرده اند، از اعتقاد به خداوند سرباز می زنند، خداوند در این بخش از آیه، به منطق مست و ضعیف این گونه از کافران اشاره می نماید، که با وجود برخورداری از اینهمه نعمت های زمینی و آسمانی او عقل و خرد خویش را بمنظور شناخت بخشنده آنها به کار نمی گیرند و در مقابل به دلائل بی اساس دلخوش می نمایند. در مقابل به دلائل بی اساس دلخوش می نمایند.

بقیه از فتنه و ایمان

آن یکی در وقت استجاء بگفت که مرا با بوی جنت دارجفت
 گفت شخصی خوب ورد آورده ای لبیک سوراخ دعا گم کرده ای
 کسی از این جا بوی خلد آید ترا بوزموضع جوا گریاید ترا
 وراز پیروزی امام امت مدظله هم همین بوده که دعاء
 استجاء را کنار مراکز خاصه عفونت زا می خوانده، واللهم اعط
 عنی الاذی می گفته و فریادمی زد که: «شاه باید برود» و امر فرمودند که همه
 بگویند «هرگ بر شاه، مرگ بر شاه، مرگ بر شاه»، که عبارة اخرای
 همان امط عنی الاذی است.

و از طرف دیگر دعاء استنشاق: «اللهم أرحنی رائحة الجنة»
 را کنار منابع توان امت یعنی اقشار مردم قرائت می کردند، که
 بوی عبیر آمیز بهشت اتحاد و برادری از جنات الفردوس حزب الله
 وزیدن گرفت و شمیم ایمان فزای عمار و بلال و یاسر و سمیه
 وزینب ... شام قلوب را نوازش گر شد.

- ۱- سوره لقمان آیات ۱۹-۱۸
- ۲- سوره لقمان آیه ۲۰
- ۳- سوره ابراهیم آیه ۳۲
- ۴- سوره زخرف آیه ۱۲
- ۵- سوره ابراهیم آیه ۱۳
- ۶- سوره نحل آیه ۱۲
- ۷- سوره نوح آیه ۱۳